

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

پیکار پامیر
تورنتو

مکتی بر اصل منافع ملی

آقای (سلطان جان کلیوال) مقیم شهر تورنتو پرسش با اهمیتی را از مجرای رسانه های جمعی جامعه ی افغانی در تورنتو مطرح کرده اند. پرسش اینست که منافع ملی به صورت واقعی چیست؟

من معتقد نیستم که آقای (کلیوال) به مفهوم و اصالت منافع ملی نا آشنا باشد، زیرا هم خوشبختانه اهل مطالعه و معرفت اند و هم صاحب دانش کافی در همچو موارد. با آنهم، چون موضوع مربوط به منافع ملی، به خصوص در تحت اوضاع و شرایط کنونی یکی از موضوعات مهم، داغ و مورد توجه وطندوستان و ملی گرایان کشور ما افغانستان است، بنابراین، بی جا نخواهد بود اگر به گونه ی بسیار ساده و فشرده در این زمینه اظهار نظر نمایم:

برای آنکه معنی و مفهوم اصلی و منطقی منافع ملی درک شود، نخست باید خود ملت را تعریف نماییم: ملت، با اساس یکی از تعاریف آن عبارت از کتله یی از انسانهاست که در محدوده ی معین جغرافیایی به سر برده از یک دولت مرکزی معین اطاعت نموده دارای مشترکات تاریخی، فرهنگی و سرنوشت یکسان سیاسی- اجتماعی باشند. اسامی و واژه های مختلفی بر محور پدیده ی ملت می چرخند که همه ی آنها با پسوند ملی مشخص میگردند مانند منافع ملی، هویت ملی، برنامه ی ملی، انقلاب ملی، عنصر ملی، افکار ملی و . . .

این نکته را نیز باید متذکر شد که پروسه ی تشکیل ملت که از افراد، اقوام، قبایل، طوایف و کتله های مختلف در چهار چوب معین جغرافیایی یک سر زمین صورت میپذیرد، در بخشهای مختلف جهان، مختلف بوده است. مثلا، این پروسه ی مهم در قاره ی اروپا نظر به شرایط خاص تاریخی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن، متفاوت و غیر مقایسه با پروسه ی بوده است که مثلا در قاره ی آسیا و آفریقا صورت میگرد و همچنین است میان آفریقا و آسیا و . . .

مسئله وجود آزادیهای دموکراتیک، استقلال سیاسی، تکامل نظام اجتماعی، اقتصادی و تأمین حقوق انسانی و مدنی افراد جامعه و غنای فکری و فرهنگی متضمن تکامل مثبت پروسه ی ملت شدن ها میباشد. در محدوده ی تشکیل ملت و تکامل آحاد آن، عضو جامعه، دیگر در هیأت صرفا رعیت رژیم بر سر اقتدار متبازن خواهد بود، بلکه به مثابه ی شهروند صاحب هویت روشن انسانی، حقوق و مزایای دموکراتیک، تصمیم و تفکر مستقل و رای سازنده به خاطر اداره ی سیاسی جامعه ی خویش میباشد. این درحالیست که عضو جامعه، ایفای وجایب، مکلفیت ها و مسوولیت هایی را نیز به گونه ی آگاهانه در برابر جامعه و اداره ی سیاسی آن به دوش میگیرد.

برای اینکه این بحث به درازا نکشد و اصل مطلب از میان نرود، باید به عرض برسانم که چون افراد ملت در سراسر محدوده ی معین جغرافیایی به نام (میهن) یا (مملکت) می زید، همین چهارچوب جغرافیایی که با مرز های معین سیاسی مشخص گردیده است ، برای افراد مذکور به تناسب سایر مردمان جهان هویت ملی می بخشد. بنابراین ، افراد ملت نیز در حفظ و نگهداری ، سلامتی و شگوفایی سر زمین مشخص خویش ، خودش را مسوول و متعهد میداند. همینجاست که در قبال زیان یا منفعت همه گانی (شامل همه ی میهن و همه ی باشندگان آن) حساس میباید و مادامکه فرد در برابر درد و غم یا شادی و آرامی افراد ملتش چه در شرق و چه در غرب ، چه در شمال و چه در جنوب میهن خویش حساس و وفادار بوده در رفع غمها مبارزه و در موج شادیهها شاد بود، او را عنصر ملی مینامند. هرگاه همین شخص ، سر زمینش را دوست داشت ، در حراست آن کوشید، در راه آبادی و آزادی آن همت به خرج داد، در برابر تجاوز و تعرض خارجی از وجب و جب آن عملا دفاع نمود، همه افراد ملت را کتله ای هم سرنوشت دانست ، هر نوع تعصب (قومی ، زبانی ، محلی ، مذهبی ، سمتی و نژادی) را در میان افراد ملت مردود دانست و از خیر و منفعت همه گانی دفاع کرد ، وی در واقع شخصیت قابل احترام ملی میباید . بالعکس، کسی که در چنان چهار چوب معین جغرافیایی به سر می برد، ولی صرفا به خویشتن خویش یا تنها به خانواده و قوم و سمت و زبان خویش می اندیشد و افراد دیگر یا بخش های دیگر میهنش را یا مدنظر ندارد و یا به نظر بد مینگرد و یا خود، خانواده ، قوم یا قبیله ی خودش را در برابر سایرین برتر، مستحق تر ، بزرگتر و متفوق تر می انگارد ، در حقیقت ، نه خودش عنصر ملی است و نه منافع ملی را پاس میدارد.

بیس، منافع ملی ، عبارت از مجموع منفعت ها، ملحوظات ، مصالح و نیاز های سراسر کشور و کلیه باشندگان آن بوده و متعلق به هر انچ از خاک میهن و هر فرد از افراد ملت میباید.

من ، منافع ملی را خارج از همین چهار چوب که شرح داده شد ، نمیدانم و اگر کسی ادعایی مبنی بر عدم پذیرش آن داشته باشد ، لطفا پا در میدان استدلال بگذارد تا معلوم شود او کیست و نیتش چیست؟! (پایان)